

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی
نظریه و عمل در تربیت معلمان
سال نهم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی (بعد فردی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر همدان (سال تحصیلی ۱۴۰۱)

نازنین کریم زاده^۱
مریم درویشی^۲
معصومه فریدونی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و از نوع توصیفی و همبستگی بوده که در جامعه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۳۶۴ نفر انجام گرفت. جهت گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته سنجش میزان استفاده از فضای مجازی و پرسش‌نامه تربیت اخلاقی عسگریان بیگدلی و همکاران (۱۳۹۷)، استفاده شد. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد ۵۷ درصد از

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

۱. مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران، تهران (نویسنده مسؤول)
n.karimzadeh1401@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران، تهران

m.darvishi61@pnu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش- تعلیم و تربیت اسلامی، آموزش و پرورش منطقه، همدان، ایران
m.fereidouni77@gmail.com

تغییرات متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش‌بین قابل‌تبیین است و ۴۳ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌ها بستگی دارد. همچنین نتایج آزمون مدل نشان داد تمامی چهار بعد استفاده از فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل‌پذیرش است و تأثیر این متغیرها قابل‌پیش‌بینی است. همچنین ۶۱ درصد از تغییرات موجود در شرم و حیا، ۴۲ درصد از تغییرات موجود در غیرت، ۱۱ درصد از تغییرات موجود در وقار و متانت، ۳ درصد از تغییرات موجود در کرامت و ۷ درصد از تغییرات موجود در عزت دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. نتایج نشان دادند استفاده از فضای مجازی با چهار مؤلفه میزان آشنایی، مدت استفاده، میزان اعتیاد و حضور در انواع فضاهای مجازی بر روی بعد کلی تربیت اخلاقی و ابعاد شش‌گانه مورد اشاره تأثیر دارد. در این بین میزان آشنایی با فضای مجازی موجب تقویت تربیت اخلاقی شده و سه بعد دیگر آن یعنی مدت استفاده، میزان اعتیاد و حضور در انواع فضاهای مجازی تربیت اخلاقی را دچار تنزل و افت می‌نمایند.

کلید واژه‌ها: فضای مجازی، تربیت اخلاقی، دانش‌آموز، دوره متوسطه همدان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر، نظر به اهمیت ارتباطات در توسعه جوامع؛ در کشور ما نیز به توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توجه شده است. کشور ما از نظر بهره‌مندی از اینترنت بر درجه شاهره کشورهای اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات جزء کشورهای متوسط روبه‌رشد به شمار رفته و بیشترین درصد استفاده‌کنندگان از اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهند. شبکه‌هایی دوست‌یابی به‌شدت در میان جوانان ایرانی محبوب شده و ایرانی‌ها رتبه سوم را در فعالیت در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند (کیخا، ۱۳۹۹). مسئله دیگری که در چند سال اخیر گسترده‌گی و امکان دسترسی به گوشی‌های هوشمند، لپ‌تاب، تبلت، کامپیوتر و... با قابلیت اتصال به اینترنت را برای نوجوانان از حالت اختیاری و سرگرمی در قشر و ساعات خاصی خارج و تبدیل به وسیله‌ای ضروری ساخته که والدین از هر طبقه فرهنگی و اقتصادی خود را ملزم به فراهم‌ساختن آن نموده‌اند بحث همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و برگزاری کلاس‌های مدارس

به صورت آنلاین بود که باعث شد نوجوانان ساعات بسیاری از روز به شبکه‌های ارتباطی بیش از گذشته و با محدودیت کمتر دسترسی داشته باشند که این آزادی دسترسی خود امکان محدود کردن و کنترل فضاهای مجازی مورداستفاده نوجوانان توسط خانواده را نیز به شدت سخت و چالشی نموده است. از این رو می‌توان گفت دسترسی و استفاده نامناسب از قابلیت‌های شبکه جهانی در جامعه ما از دغدغه‌های مهمی است که امروزه با شیوع اینترنت و به تبع آن، استفاده فراگیر از شبکه‌های اجتماعی مجازی، به شدت در حال افزایش است. پیشرفت‌های فناوری‌های نوین و توسعه اینترنت و ورود آن به عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی باعث شده تا در فضای مجازی روابط میان انسان‌ها و اصول اخلاقی پذیرفته شده جوامع به چالش کشیده شده و دچار تناقض شود. از این رو به رغم اینکه امروزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توانسته تحولات وسیع و شگرفی را در تمامی عرصه‌های زندگی پدید آورد؛ اما خواسته یا ناخواسته بسترساز چالش‌های جدید و منحصر به فردی نیز در این حوزه شده که به نوعی به هم‌ریختگی مختصات تربیتی و شاخص‌های اخلاقی مرتبط با آن منجر شده است. این مسائل مؤید ضرورت توجه به جنبه‌های اخلاقی حضور در فضای مجازی بوده و پرسش‌های زیادی را به وجود آورده است (کیخا، ۱۳۹۹). تربیت اخلاقی دارای ساحت‌های متعددی از قبیل تربیت جنسی، تربیت عقلانی، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی است (اسکیبرد، ریمه و موسیجه^۱، ۲۰۲۰). تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین ساحت‌های فرایند تربیت، و مقدم بر سایر ساحت‌ها، بلکه زیربنای آنهاست. این جایگاه ویژه از آن جهت است که تربیت اخلاقی دربرگیرنده همه ابعاد و ساحت‌های شخصیت انسان، و نیز دربرگیرنده همه مراحل رشد انسان از کودکی تا سالمندی است و در هیچ دوره‌ای از زندگی انسان متوقف نمی‌شود؛ یعنی نمی‌توان گفت این فرد به مرحله‌ای از رشد و بلوغ رسیده است که دیگر به تربیت اخلاقی احتیاج ندارد. از سوی دیگر، تربیت اخلاقی تعیین‌کننده سطح رشد و کمال آدمی در عرصه روابطش با خدا، جامعه و طبیعت است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تربیت اخلاقی، به نوعی در انسان اعتدال

1. Skilbred-Field, Reme, & Mossige

ایجاد می‌کند، و این اعتدال موجب می‌شود که ساحت‌های دیگر تربیت انسان هم به تناسب رشد کنند و پرورش یابند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

اگر دیده می‌شود که جامعه دچار فساد در تربیت جنسی و تربیت اجتماعی است، دلیل آن غافل شدن از تربیت اخلاقی است (می‌هیگ و همکاران^۱، ۲۰۲۰). اگر این سنگ بنا (تربیت اخلاقی) به خوبی پایه‌گذاری شود، می‌توان امیدوار بود که در سایر ابعاد تربیت سرفرازی و موفقیت حاصل شود. فراگیری و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و ایجاد زمینه برای روی آوردن به فضایل و به کار بستن سازوکارها و شیوه‌های ایجاد و تثبیت فضایل و نیز زایل ساختن رذایل، به منظور نیل به کمال و سعادت جاودانه است. توجه به این که جوامع چه ارزش‌هایی را به جوانان عرضه می‌کنند و چگونه و با چه رویکردها و روش‌هایی، اخلاقیات و ارزش‌ها را به آنها می‌آموزند و به تربیت اخلاقی و ارزشی آنها اقدام می‌کنند، موضوعی است که از قدیم‌الایام تا به امروز مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده است (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

در سالیان اخیر با شکل‌گیری فضای مجازی و انتقال تمامی مراودات و نیازهای انسانی در این بستر علاوه بر مزایا و ویژگی‌های منحصر به فرد مسائل و مشکلات و آسیب‌هایی برای انسان به وجود آمده (لام^۲، ۲۰۲۰). همچنین نقش‌ها و وظایف مضاعفی برای جوامع تعریف شده است (کاپیتانویچ و همکاران^۳، ۲۰۲۰). علاوه بر این بخش اعظمی از آموزش‌ها در این بستر انجام می‌گیرد، به خصوص پس از شیوع و گسترش ویروس کرونا در جهان (فالتینکوا، بلینکا، سولیکوا و هوساروا^۴، ۲۰۲۰).

پیامدهای منفی بسیاری را برای گسترش فضای مجازی می‌توان برشمرد که از جمله آنها؛ شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضد دینی و شبهات در عقاید افراد، نقض حریم خصوصی، انزوا و دورماندن از محیط‌های واقعی اجتماع (بوهل، سلچر و رولین^۵، ۲۰۲۰)، تأثیرات منفی رفتاری که فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی، درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می‌شود؛ نظیر برخورد،

-
1. Mihic et al
 2. Lam
 3. Kapetanovic et al
 4. Faltýnková, Blinka, Ševčíková, & Husarova
 5. Buehl, Melchers, & Roulin

تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و...، مصنوعی شدن ارتباطات، از بین رفتن روابط صحیح اجتماعی، تضعیف نهاد خانواده، بی هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت در بین نوجوانان و جوانان، جرئت و جسارت ارتکاب جرم به خاطر ناشناخته بودن در محیط سایبری، اعتیاد به اینترنت، اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی که نتیجه آن افسردگی، اضطراب، بی‌خوابی، کاهش روابط اجتماعی با اطرافیان و انزوا است. فریب و بهره‌کشی جنسی، دوستی‌های بدون مرز و ضابطه، قراردادن فایل‌های مبتذل در دسترس عموم کاربران، انتقال هنجارها و نرم‌های ارزشی و اخلاقی غربی، وابستگی شدید روانی و فکری به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تهدید بنیان خانواده و نارضایتی‌های خانوادگی مانند افزایش سن ازدواج، تجرد جوانان، طلاق، فرار از منزل، فحشا، سردی روابط زن و شوهر و سایر مسائل و مشکلات خانوادگی (تهرانی، ۱۳۹۵). این روزها شاهد اعتیاد اینترنتی جوانان و نوجوانان از جمله دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر همدان هستیم؛ پرسه‌زدن بی‌رویه دانش‌آموزان در فضای مجازی آفتی برای نظام آموزشی مدارس متوسطه دوم شهر همدان محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که سبب نگرانی خانواده‌ها، مدیران و معلمان به دلیل عدم استفاده صحیح از این فضا شده است. آنچه مسئله اساسی در قلمرو مکانی پژوهش حاضر است آن است که به باور بسیاری از پژوهشگران و دست‌اندرکاران پژوهشی، باورهای اخلاقی در بین دانش‌آموزان شهر همدان علی‌الخصوص بعد از دوران گسترش ویروس کرونا - که نظام آموزشی روش آموزش مجازی را در پیش گرفته و وابسته به ابزار رسانه‌ای و مخصوصاً فضای مجازی گردید - به شدت در حال تهدید و تنزل است. بسیاری از اطلاعات به دست آمده نشانگر وابستگی بیشتر دانش‌آموزان متوسطه شهر همدان به فضای مجازی بوده و فضای مجازی چنان آنها را در بازار رنگارنگ خود فروبرده است که گویی هرگز خبری از حضور آنان در فضای حقیقی نبوده است. استفاده بی‌رویه دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر همدان از فضای مجازی منجر به انزوای آنان شده است. این هویت کاذب و زودگذر تصویری غیرواقعی برای آنها ایجاد کرده و منجر به این شده که آنها در تلاش و تکاپو برای حضور بیشتر در شبکه‌های اجتماعی باشند. با جستجو در سایت‌های معتبر داخلی و خارجی مشخص شد که پژوهشی تحت عنوان "تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی

(بعد فردی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر همدان " وجود ندارد. در واقع تحقیقات بسیاری به طور جداگانه به بررسی متغیرهای پژوهش پرداخته‌اند؛ اما به طور هم‌زمان به تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی (بعد فردی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر همدان نپرداخته‌اند. این پژوهش علاوه بر آنکه یک مبنای نظری منسجم در مورد تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی (بعد فردی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر همدان فراهم می‌کند و رابطه بین متغیرها را مشخص می‌کند، خلا و شکاف پژوهشی را نیز رفع خواهد نمود؛ لذا انجام یک پژوهش علمی و نظام‌مند در مورد تبیین رابطه استفاده از فضای مجازی با تربیت اخلاقی (بعد فردی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر همدان ضروری است.

به باور گیدنز^۱ (۱۹۸۷) رسانه‌های اجتماعی در خانه‌ها نفوذ می‌کند و با جابه‌جایی اطلاعات با دست‌کاری و دخل و تصرف از خویشتن خود به فرهنگ‌سازی کمک می‌کنند و معمولاً به صورت آگاهی از وقایع دوردست در ضمیر افراد جای می‌گیرند. به نظر گیدنز فناوری شبکه‌های جهانی اطلاعاتی، ماهواره‌ها و تلویزیون بنیاد زندگی اجتماعی بشری را به لحاظ هویتی و فکری دگرگون می‌کند. در همین راستا مصباحی جمشید (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «مسائل تربیت دینی در فضای مجازی و نحوه مواجهه با آن» انجام داده و یافته‌ها حاکی است میان عناصر تربیت دینی و ویژگی‌های فضای مجازی تناظری برقرار است که در برخی موارد به تحقق تربیت دینی مطلوب یاری می‌رساند و در مواردی نیز به عنوان مانع عمل می‌کند. تحلیل این تناظر علاوه بر اینکه به شناخت عوامل و موانع تربیت دینی یاری می‌رساند، راهکار مواجهه با مسائل تربیت دینی در فضای مجازی را نشان می‌دهد.

کیخا (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «تربیت اخلاقی در فضای مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه الزهراء)» انجام داده است. نتایج نشان داد بهره‌گیری از رهنمودهای تربیتی و آموزه‌های اخلاقی بر پایه دین، باور به حضور همیشگی خداوند، برجسته‌سازی هویت انسانی، توصیه به رعایت اخلاق و بهره‌گیری از روش‌های بازدارنده برگرفته از مبانی اخلاقی، تشریک مساعی، اهتمام خانواده‌ها در تربیت نسل جوان مطابق با الگوهای

1. Giddens

اسلامی - ایرانی و استفاده از مطالعات و دیدگاه‌های اندیشمندان بین‌رشته‌ای، می‌تواند در جهت نیل به این هدف و رفع موانع موجود، مؤثر واقع شود. در مطالعه دیگری اصغرزاده طالبی و شکوهی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان» انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان می‌دهد فضای مجازی دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی است که در صورت فراهم بودن شرایط و ایجاد آن اثرات قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت افراد به‌خصوص کودکان خواهد داشت و به‌خوبی می‌توان در جهت دستیابی به اهداف والای دینی از آن استفاده کرد.

محسنی و آذری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر فضای مجازی (موبایل و اینترنت) بر اجتماعی شدن دانش‌آموزان دبیرستانی منطقه ۱۷ تهران» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از فضای مجازی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بسیار بالاست و قدرت این فضا توسط افرادی انجام می‌شود که فرهنگ آن‌ها در تضاد با فرهنگ ماست و باتوجه به عوامل جذاب، تنوع، به‌موقع بودن و در دسترس بودن فضای مجازی، تأثیر قابل توجهی در بین دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزان و این تأثیر می‌تواند باعث اجتماعی شدن و دلبستگی فرهنگی منفی شود که دانش‌آموزان را دچار ناهمگونی فرهنگی می‌کند و تأثیر آن بر جامعه، شکنندگی ارزش‌ها و هنجارها و بر روی فرد، بحران شخصیتی ناپایدار عاطفی است.

در موردی دیگر نوروزی، کاظمی و شاه‌مرادی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سیره رضوی» انجام داده‌اند که نشان داد فرهنگ‌سازی استفاده بهینه و درست از امکانات فضای مجازی، آشنا کردن متولیان تربیت با خطرات فضای مجازی، تولید و توسعه تولیدات فرهنگی متناسب با دین در فضای مجازی، نظارت و همراهی با فرزندان در استفاده از فضای مجازی، جایگزینی فرهنگی، تقویت عقاید، بصیرت بخشی و آگاهی دادن به کاربران و... از جمله راهکارهایی است که بررسی آیات قرآن کریم و سیره رضوی ما را بدان رهنمون می‌کند.

برقی و مستانه (۱۳۹۶) نیز در پژوهش «بررسی آسیب‌ها و ارائه راهکارهای اخلاقی و تربیتی در رابطه با تأثیرات فضای مجازی در تربیت دینی و اسلامی

دانش‌آموزان» نشان دادند که از جمله پیامدهای مثبت فضای سایبری، تسهیل و تسریع ارتباطات و تبادل اطلاعات است؛ همچنین از جمله آسیب‌های اخلاقی فضای سایبری در تربیت دینی فرزندان می‌توان به مواردی همچون: تعارض ارزش‌ها، بازداری‌زدایی، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، شکاف نسل‌ها، انحرافات اخلاقی و جنسی، افسردگی و انزوای فردی و اجتماعی، به‌خطراتادن حریم خصوصی افراد، ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده، کاهش نقش خانواده به‌عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند و ازبین‌رفتن حریم روابط اخلاقی بین فرزندان و والدین اشاره کرد.

وایمن، رودی و مک کانل^۱ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «چه رفتاری باید بکنم؟ پرداختن به رفتار غیراخلاقی در فضای سایبری از طریق آموزش» انجام داده‌اند. این مقاله مدعی است فضای سایبری اخلاق را در افراد به سطح پایین تنزل داده و تربیت اخلاقی را دچار خدشه کرده است.

ال وایز^۲ (۲۰۲۰) در مقاله تحقیقی خود به بررسی هویت در فضای مجازی می‌پردازد. این تحقیق می‌خواهد روند شکل‌گیری نظریه فعال تاریخی و فرهنگی و چهارچوب مفهومی برای تحلیل نظری و علمی هویت، به‌ویژه در محیط‌های مجازی را به ما ارائه دهد. سرانجام، راه کارهایی ارائه دهد برای پژوهش‌های آینده درباره چگونگی شکل‌گیری هویت، تجسم در فضاهای مجازی و درک ما از خود که می‌تواند بر هویت‌های ما در زندگی واقعی تأثیرگذار باشد.

ون جینگ^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی کیفی با عنوان «فضای مجازی و هویت واقعی: جستجوی هویت فرهنگی دیاسپورای چینی در اجتماع مجازی» که به تأثیر اینترنت و فضای مجازی بر هویت فرهنگی دیاسپورای چینی پرداخته است، نشان داده است که تسلط و چیرگی امروزین فضای مجازی بر زندگی بشر ارزش‌های فرهنگی متفاوت پذیرفته شده و هویت فرهنگی چندپاره‌ای را پدید آورده است که گاهی با خرده‌فرهنگ‌های جهانی در تضاد است. امروزه فضای مجازی آکنده از ضدفرهنگ‌های سنتی و تربیت اخلاقی بشر است.

-
1. Wyman, Rodi & McConnell
 2. Lweize
 3. Wenjing

کریستوفر ساندرز^۱ (۲۰۱۸) به بررسی نقش اینترنت در افسردگی و انزوای اجتماعی نوجوانان پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که کاربران کم مصرف رابطه بهتری با مادران و دوستانشان داشتند. اما هیچ تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین کاربران کم و زیاد اینترنت از نظر ارتباط با پدر و مادر و میزان افسردگی وجود نداشت. نتایج نشان می‌دهد، استفاده از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است و همچنین استفاده افراطی از آن بر روی خلیات، اعتقادات و نظر افراد مصرف کننده اثرگذاری زیادی دارد.

سلام^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق اسلامی راهکاری برای حل و فصل موضوعات اخلاقی در حوزه اخلاق اطلاعات (IE)» برای اولین بار به معرفی برخی از قوانین و قابلیت‌های شریعت اسلامی و اخلاق در حوزه اخلاق اطلاعات در سطح بین المللی پرداخته و درباره قابلیت کاربرد آن در این مقوله بحث کرده است. مطالعه او نشان داد که نگاه به قوانین شریعت و بهره‌گیری و استدلال از روش‌های اخلاق اسلامی برای استخراج قضاوت اخلاقی در جهان اسلام این قابلیت را دارد که همزمان هر دو دیدگاه جمعی و فردی کاربران را محترم بشمارد و به‌عنوان تلفیق کننده میان نظریه‌ی اخلاق وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا به کار گرفته شود. زی هو و جاناتان جی^۳ (۲۰۰۲) تأثیر اینترنت را در زمینه اجتماعی از سه بُعد: کارکرد خانواده، فعالیت‌های اوقات فراغت، آزادی‌های مدنی و پنهان کاری مورد بررسی قرار دادند، در مورد کارکرد خانواده، فعالیت با اعضاء خانواده است که بین استفاده‌کنندگان تفاوت معناداری به وجود می‌آورد. در مورد اوقات فراغت، موضوع ارتباط با دوستان برای کسانی که اهل روزنامه خواندن، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون هستند، با استفاده‌کنندگان از اینترنت و کسانی که از اینترنت استفاده نمی‌کنند، تفاوت معناداری وجود داشت. عوامل مؤثر بر آزادی‌های مدنی مربوط به خشونت و محتوای وقیح آن و به دست آوردن دوستان است که در بین استفاده‌کنندگان و عدم استفاده‌کنندگان، تفاوت معناداری وجود دارد. آنچه برای ما اهمیت دارد، تأثیر اینترنت بر کم شدن فعالیت و مشارکت در درون

1. Sanderz
2. Salam
3. Zhu & He

خانواده است. با مرور پیشینه و بررسی های انجام شده و احساس خلاء پژوهشی معتبر که به بررسی ارتباط بین استفاد از فضای مجازی و تربیت اخلاقی در بعد فردی به خصوص در جامعه دختران دوره دوم متوسطه به لحاظ حساسیت دوره سنی و نیز افزایش استفاده و دسترسی بیشتر به فضای مجازی به دلیل شیوع پاندمی کرونا پرداخته باشد، این پژوهش با هدف تبیین این ارتباط انجام شد و فرضیه های زیر مورد بررسی و آزمایش قرار گرفت.

فرضیه اصلی

استفاده از فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

فرضیه های فرعی

۱- میزان استفاده از فضای مجازی بر عفت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۲- میزان استفاده از فضای مجازی بر شرم و حیا دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۳- میزان استفاده از فضای مجازی بر غیرت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۴- میزان استفاده از فضای مجازی بر وقار و متانت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۵- میزان استفاده از فضای مجازی بر کرامت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۶- میزان استفاده از فضای مجازی بر عزت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

۱.۲ روش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۷۰۲۹ نفر که ۳۳۳۷ نفر در ناحیه یک و ۳۶۹۲ نفر در ناحیه دو مشغول به تحصیل هستند تشکیل داد. حجم نمونه با روش خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شد. بدین شکل که

ابتدا از بین نواحی شهر همدان یک ناحیه و سپس از بین مدارس دخترانه دوره متوسطه دو مدرسه و از بین این مدارس با روش تصادفی تعداد ۳۶۴ نفر (۱۱۸ نفر پایه دهم، ۱۳۱ نفر پایه یازدهم، ۱۱۵ نفر پایه دوازدهم) انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش شامل جنسیت (مؤنث)، استفاده از فضای مجازی، تمایل رضایت فرد برای مشارکت، تحصیل در دوره دوم متوسطه مدارس دولتی شهر همدان، تکمیل کامل سؤالات ابزارهای پژوهش بود.

۲.۲. ابزار سنجش

پرسش نامه تربیت اخلاقی: برای سنجش تربیت اخلاقی دانش آموزان پژوهش از پرسش نامه تربیت اخلاقی عسکریان بیگدلی و همکاران (۱۳۹۷) استفاده شد. این پرسش نامه به منظور سنجش تربیت اخلاقی در دانشجویان دختر طراحی شده است. پرسش نامه تربیت اخلاقی دارای ۳۹ سؤال و ۵ مؤلفه شامل عفت (۷-۱)، شرم و حیا (۸-۱۴)، غیرت (۲۰-۱۵)، وقار و متانت (۲۵-۲۱)؛ کرامت (۳۱-۲۶) و عزت (۳۲-۳۹) است و بر اساس طیف لیکرت با سؤالاتی مانند در مورد موضوعهای خصوصی و شخصی (مسائل مخصوص بانوان و مسائل جنسی) (با نامحرم صحبت می‌کنم). به سنجش تربیت اخلاقی در دانشجویان دختر می‌پردازد. گزینه‌های آن به صورت لیکرت رتبه‌بندی شده و شامل، گزینه هرگز با نمره ۵؛ گزینه به ندرت با نمره ۴؛ گزینه بعضی اوقات با نمره ۳؛ گزینه اغلب اوقات با نمره ۲ و گزینه همیشه با نمره ۱ است. البته نمره‌گذاری در سؤالات ۳، ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸ و ۳۳ معکوس است. دامنه امتیاز این پرسش نامه بین ۳۹ تا ۱۹۵ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسش نامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده بهبود تربیت اخلاقی خواهد بود و بالعکس. در پژوهش عسکریان بیگدلی و همکاران (۱۳۹۷) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسش نامه مناسب ارزیابی شده است. همچنین جهت محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و به میزان ۰/۷۰ گزارش شده است. در این پژوهش این میزان به مقدار ۰/۷۲ محاسبه و لحاظ گردید.

پرسش نامه تأثیر فضای مجازی: برای سنجش متغیر تأثیر فضای مجازی از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. سؤالات سنجش‌گر هر یک از متغیرهای تحقیق به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. سؤالات سنجش گر متغیرهای تحقیق

نام متغیر	ابعاد	سؤالات
میزان استفاده از فضای مجازی	آشنایی با فضای مجازی	۳-۱
	مدت استفاده از فضای مجازی	۶-۴
	میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی	۱۲-۷
	میزان حضور در انواع فضاهای مجازی	۱۸-۱۳

برای سنجش روایی و پایایی این پرسش نامه ابتدا از روش سنجش روایی صوری و محتوایی استفاده شد. بدین منظور پرسش نامه طراحی شده در اختیار تنی چند از استادان، خبرگان روش تحقیق و علوم تربیتی قرار داده شده و نظرات اصلاحی آنان در نسخه مقدماتی اعمال گردید. در گام دوم با استفاده از روش روایی سازه اقدام به تعیین روایی ابزار گردید. بدین منظور مراحل زیر اجرا شد:

۱. تعیین چارچوب نظری مفاهیم (تعریف سازه یا متغیر موردنظر)

۲. تهیه آزمونی برای اندازه گیری

۳. بررسی روابط تجربی بین ابزارهای مفهوم

۴. تفسیر شواهد تجربی بر اساس روایی سازه ابزار

در این پژوهش برای سنجش روایی سازه از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. بر اساس نتایج سنجش روایی میزان KMO برابر با 0.861 به دست آمد و چنانچه هرچه این مقدار از 0.6 بزرگ تر باشد نشانگر آن است که کفایت نمونه برداری بالاتر است (هومن، ۱۳۸۱). نتیجه آزمون کرویت بارتلت نیز برابر با $35/779$ در سطح اطمینان 0.99 به دست آمد و معناداری آزمون کرویت بارتلت حداقل شرط لازم برای انجام دادن تحلیل عاملی است؛ بنابراین بر پایه هر دو ملاک می توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی یک ماتریس غیر واحد است. در مجموع نتایج نشان داد که پرسش نامه از چهار عامل مدنظر و تعیین شده از قبل اشباع گردیده و این چهار عامل حدود $22/64$ درصد کل واریانس میزان استفاده از فضای مجازی را تبیین می کند که مقدار معناداری است. ضمناً ملاک گزینش دارابودن بار عاملی بالاتر از 0.5 بوده است و ماده هایی که بار عاملی کمتر از 0.5 داشته اند از پرسش نامه حذف گردیدند. همچنین برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، در جامعه آماری موردنظر از روش سنجش پایایی با ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

بدین منظور محقق قبل از اجرای نهایی پرسش‌نامه و گردآوری نهایی داده‌ها، طی یک مطالعه مقدماتی اقدام به گردآوری داده‌ها از طریق ۲۵ نفر از پاسخگویان ۱۵ تا ۱۸ ساله پژوهش نمود - که میانگین سنی آنان ۲۱/۱۶ سال، ۳۲٪ از آنان رشته علوم انسانی، ۳۶٪ علوم تجربی و ۳۲٪ ریاضی فیزیک؛ و به ترتیب ۳۶ درصد پایه دهم؛ ۴۰ درصد پایه یازدهم و ۲۴ درصد پایه دوازدهم بوده‌اند - با استفاده از نرم‌افزار spss، مقدار ضریب پایایی در متغیرهای پنهان سنجش گردید. نتایج نشان داد که میزان ضریب آلفای کرونباخ در این مطالعه در تمامی ابعاد پرسش‌نامه از حد استاندارد (۷۰/۰) بالاتر بود که نشانگر پایایی مناسب ابزار است. بر اساس نتایج میزان ضریب پایایی کل پرسش‌نامه برابر با ۷۵۸/۰ بوده است.

۳.۲. یافته‌ها

۲-۳-۱. توصیف آماری داده‌ها

۱. سن پاسخگویان

جدول ۲: توزیع فراوانی سن پاسخگویان

درصد	تعداد	سن
۲۶/۱	۹۵	۱۵ سال
۲۸/۳	۱۰۳	۱۶ سال
۲۱/۴	۷۸	۱۷ سال
۲۴/۲	۸۸	۱۸ سال
۱۰۰	۳۶۴	جمع

طبق اطلاعات جدول ۲ سن تعداد ۹۵ نفر (۲۶/۱٪) از پاسخگویان ۱۵ سال، ۱۰۳ نفر (۲۸/۳٪) ۱۶ سال؛ ۷۸ نفر (۲۱/۴٪) ۱۷ سال و ۸۸ نفر (۲۴/۲٪) ۱۸ سال بوده، میانگین سنی نیز ۱۶/۴۴ سال بوده است.

۲. رشته تحصیلی پاسخگویان

جدول ۳: توزیع فراوانی رشته تحصیلی پاسخگویان

درصد	تعداد	رشته تحصیلی
۳۲/۱	۱۱۷	علوم انسانی
۴۰/۱	۱۴۶	علوم تجربی
۲۷/۷	۱۰۱	ریاضی فیزیک
۱۰۰	۳۶۴	جمع

بر اساس اطلاعات جدول ۳ رشته تحصیلی تعداد ۱۱۷ نفر (۳۲/۱٪) از پاسخگویان علوم انسانی، ۱۴۶ نفر (۴۰/۱٪) علوم تجربی و ۱۰۱ نفر (۲۷/۷٪) ریاضی فیزیک بوده است.

۳. پایه تحصیلی پاسخگویان

جدول ۴. توزیع فراوانی پایه تحصیلی پاسخگویان

پایه تحصیلی	تعداد	درصد
دهم	۱۱۸	۳۲/۴
یازدهم	۱۳۱	۳۶
دوازدهم	۱۱۵	۳۱/۶
جمع	۳۶۴	۱۰۰

بر اساس اطلاعات جدول ۴ پایه تحصیلی تعداد ۱۱۸ نفر (۳۲/۴٪) از پاسخگویان دهم، ۱۳۱ نفر (۳۶٪) یازدهم و ۱۱۵ نفر (۳۱/۶٪) دوازدهم بوده است.

۲-۳-۲. نتایج به دست آمده از سنجش متغیرهای تحقیق

جدول ۵. توزیع فراوانی استفاده دانش آموزان از فضای مجازی و ابعاد آن

مقیاس متغیر	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
میزان استفاده از فضای مجازی	-	-	۱۵	۴/۱	۱۶۹	۴۶/۴	۱۱۰	۳۰/۲	۷۰	۱۹/۲	۳۶۴	۱۰۰
میزان آشنایی با فضای مجازی	۱۳	۳/۶	۸۰	۲۲	۱۲۱	۳۳/۲	۱۱۵	۳۱/۶	۳۵	۹/۶	۳۶۴	۱۰۰
مدت استفاده از ابزار فضای مجازی	-	-	۲۳	۶/۳	۱۵۶	۴۲/۹	۱۱۸	۳۲/۴	۶۷	۱۸/۴	۳۶۴	۱۰۰
میزان اعتیاد به فضای مجازی	-	-	۲۱	۵/۸	۱۲۶	۳۴/۶	۱۱۸	۳۲/۴	۹۹	۲۷/۲	۳۶۴	۱۰۰
میزان حضور در فضای مجازی	-	-	۲۷	۷/۴	۱۲۲	۳۳/۵	۱۳۷	۳۷/۶	۷۸	۲۱/۴	۳۶۴	۱۰۰

بر اساس اطلاعات جدول ۵:

- میزان استفاده از فضای مجازی در ۱۵ نفر (۴/۱٪) از پاسخگویان در حد کم؛ ۱۶۹ نفر (۴۶/۴٪) در حد متوسط، ۱۱۰ نفر (۳۰/۲٪) در حد زیاد و ۷۰ نفر (۱۹/۲٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان آشنایی با فضای مجازی در ۱۳ نفر (۳/۶٪) از پاسخگویان در حد خیلی کم؛ ۸۰ نفر (۲۲٪) در حد کم؛ ۱۲۱ نفر (۳۳/۲٪) در حد متوسط، ۱۱۵ نفر (۳۱/۶٪) در حد زیاد و ۳۵ نفر (۹/۶٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- مدت استفاده دانش‌آموزان از ابزار فضای مجازی در ۲۳ نفر (۶/۳٪) در حد کم؛ ۱۵۶ نفر (۴۲/۹٪) در حد متوسط، ۱۱۸ نفر (۳۲/۴٪) در حد زیاد و ۶۷ نفر (۱۸/۴٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی در ۲۱ نفر (۵/۸٪) از دانش‌آموزان در حد کم؛ ۱۲۶ نفر (۳۴/۶٪) در حد متوسط، ۱۱۸ نفر (۳۲/۴٪) در حد زیاد و ۹۹ نفر (۲۷/۲٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان حضور در انواع فضای مجازی در ۲۷ نفر (۷/۴٪) از پاسخگویان در حد کم؛ ۱۲۲ نفر (۳۳/۵٪) در حد متوسط، ۱۳۷ نفر (۳۷/۶٪) در حد زیاد و ۷۸ نفر (۲۱/۴٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

جدول ۶: توزیع فراوانی میزان تربیت اخلاقی و ابعاد آن در دانش‌آموزان

مقیاس متغیر	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
تربیت اخلاقی کل	-	-	۴۴	۱۲/۱	۱۸۱	۴۹/۷	۱۱۸	۳۲/۴	۲۱	۵/۸	۳۶۴	۱۰۰
تربیت اخلاقی در بعد عفت	۸	۲/۲	۸۹	۲۴/۵	۱۸۱	۴۹/۷	۷۳	۲۰/۱	۱۳	۳/۶	۳۶۴	۱۰۰
تربیت اخلاقی در بعد شرم و حیا	۹۶	۲۶/۴	۱۰۵	۲۸/۸	۱۲۱	۳۳/۲	۳۳	۹/۱	۹	۲/۵	۳۶۴	۱۰۰
تربیت اخلاقی در بعد غیرت	۱۲۲	۳۳/۵	۹۳	۲۵/۵	۱۲۳	۳۳/۸	۲۱	۵/۸	۵	۱/۴	۳۶۴	۱۰۰

۱۰۰	۳۶۴	۳/۶	۱۳	۱۵/۱	۵۵	۶۷	۲۴۴	۱۴/۳	۵۲	-	-	تربیت اخلاقی در بعد وقار و متانت
۱۰۰	۳۶۴	۲/۵	۹	۳۱	۱۱۳	۵۸/۲	۲۱۲	۸/۲	۳۰	-	-	تربیت اخلاقی در بعد کرامت
۱۰۰	۳۶۴	-	-	۹/۳	۳۴	۳۷/۴	۱۳۶	۳۲/۴	۱۱۸	۲۰/۹	۷۶	تربیت اخلاقی در بعد عزت

بر اساس اطلاعات جدول ۶:

- میزان تربیت اخلاقی ۴۴ نفر (۱۲/۱٪) از دانش‌آموزان در حد خیلی کم؛ ۱۸۱ نفر (۴۹/۷٪) در حد کم؛ ۱۱۸ نفر (۳۲/۴٪) در حد متوسط و ۲۱ نفر (۵/۸٪) در حد زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد عفت ۸ نفر (۲/۲٪) از دانش‌آموزان در حد خیلی کم؛ ۸۹ نفر (۲۴/۵٪) در حد کم؛ ۱۸۱ نفر (۴۹/۷٪) در حد متوسط، ۷۳ نفر (۲۰/۱٪) در حد زیاد و ۱۳ نفر (۳/۶٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد شرم و حیا ۹۶ نفر (۲۶/۴٪) از دانش‌آموزان در حد خیلی کم؛ ۱۰۵ نفر (۲۸/۸٪) در حد کم؛ ۱۲۱ نفر (۳۳/۲٪) در حد متوسط، ۳۳ نفر (۹/۱٪) در حد زیاد و ۹ نفر (۲/۵٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد غیرت ۱۲۲ نفر (۳۳/۵٪) از دانش‌آموزان در حد خیلی کم؛ ۹۳ نفر (۲۵/۵٪) در حد کم؛ ۱۲۳ نفر (۳۳/۸٪) در حد متوسط، ۲۱ نفر (۵/۸٪) در حد زیاد و ۵ نفر (۱/۴٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد وقار و متانت ۵۲ نفر (۱۴/۳٪) از دانش‌آموزان در حد کم؛ ۲۴۴ نفر (۶۷٪) در حد متوسط، ۵۵ نفر (۱۵/۱٪) در حد زیاد و ۱۳ نفر (۳/۶٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد کرامت ۳۰ نفر (۸/۲٪) از دانش‌آموزان در حد کم؛

۲۱۲ نفر (۵۸/۲٪) در حد متوسط، ۱۱۳ نفر (۳۱٪) در حد زیاد و ۹ نفر (۲/۵٪) در حد خیلی زیاد بوده است.

- میزان تربیت اخلاقی در بعد عزت ۷۶ نفر (۲۰/۹٪) از دانش‌آموزان در حد خیلی کم؛ ۱۱۸ نفر (۳۲/۴٪) در حد کم؛ ۱۳۶ نفر (۳۷/۴٪) در حد متوسط و ۳۴ نفر (۹/۳٪) در حد زیاد بوده است.

۲-۳-۳. تحلیل داده‌ها

الف) سنجش توزیع طبیعی داده‌ها

از آنجایی که آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های پارامتریک انجام شده است، نیاز به انجام پیش‌فرض‌های این آزمون‌ها بود که یکی از مهم‌ترین این پیش‌فرض‌ها، شرط توزیع طبیعی داده‌هاست که با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است.

جدول ۷. نتیجه سنجش وضعیت توزیع نرمال متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف

اسمیرنوف

متغیر	میزان استفاده	آشنایی	مدت استفاده	میزان اعتیاد	میزان حضور	تربیت اخلاقی	عفت	شرم و حیا	غیرت	وقار و منانت	کرامت	عزت
آماره Z	۰/۰۳۸	۰/۱۳۰	۰/۱۰۲	۰/۰۷۲	۰/۰۶۳	۰/۰۵۶	۰/۰۷۴	۰/۰۶۳	۰/۰۹۲	۰/۱۴۶	۰/۱۴۷	۰/۱۲۲
Sig	۰/۲۰۰	۰/۰۹۲	۰/۱۰۱	۰/۱۳۱	۰/۱۴۲	۰/۱۷۹	۰/۱۵۹	۰/۱۵۵	۰/۰۹۰	۰/۰۶۶	۰/۰۶۹	۰/۰۹۱

باتوجه به نتایج جدول ۷ و اینکه آماره Z در تمامی متغیرها در سطح خطای بالاتر از ۰/۰۵ به دست آمده‌اند می‌توان بیان داشت که ویژگی توزیع نرمال در این متغیرها وجود داشته و می‌توان از آزمون‌های آماری پارامتری برای سنجش روابط یا تفاوت‌ها در آنها استفاده نمود.

ب) سنجش ارتباط بین متغیرها

پیش از انجام آزمون رگرسیون خطی به بررسی ارتباط و همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک پرداخته شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

جدول ۸. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	پارامتر	تربیت اخلاقی	عفت	شرم و حیا	غیرت	وقار و منانت	کرامت	عزت
میزان استفاده	r	-۰/۷۰۷	-۰/۶۵۲	-۰/۷۵۴	-۰/۶۱۵	-۰/۲۸۳	-۰/۱۲۰	-۰/۲۱۸
	Sig	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	*۰/۰۲۲	**۰/۰۰۱
میزان آشنایی	r	-۰/۱۰۰	-۰/۱۶۹	-۰/۱۸۰	-۰/۱۰۸	۰/۰۳۰	۰/۰۸۳	۰/۰۴۳
	Sig	۰/۰۵۶	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	*۰/۰۳۹	۰/۱۱۴	۰/۰۴۰۸
مدت استفاده	r	-۰/۵۶۸	-۰/۴۹۸	-۰/۶۰۴	-۰/۵۱۴	-۰/۲۱۱	-۰/۱۰۱	-۰/۱۸۰
	Sig	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	۰/۰۵۴	**۰/۰۰۱
میزان اعتیاد به استفاده	r	-۰/۶۴۹	-۰/۵۴۷	-۰/۶۵۹	-۰/۵۶۰	-۰/۲۸۴	-۰/۱۵۰	-۰/۲۴۸
	Sig	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۴	**۰/۰۰۱
میزان حضور در انواع فضا	r	-۰/۶۸۳	-۰/۶۵۱	-۰/۷۲۱	-۰/۵۷۸	-۰/۲۹۸	-۰/۱۳۳	-۰/۲۰۵
	Sig	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	**۰/۰۰۱	*۰/۰۱۱	**۰/۰۰۱

نتایج نشان می‌دهد:

- بین میزان استفاده از فضای مجازی با بعد کلی و تمامی ابعاد تربیت اخلاقی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان آشنایی با فضای مجازی با بعد عفت، شرم و حیا و غیرت رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین مدت استفاده از فضای مجازی به جز بعد کرامت با بعد کلی و همه ابعاد تربیت اخلاقی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی با بعد کلی و تمامی ابعاد تربیت اخلاقی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان حضور در انواع فضای مجازی با بعد کلی و تمامی ابعاد تربیت اخلاقی رابطه معنادار وجود دارد.
- ج) آزمون فرضیه‌های پژوهش
فرضیه اصلی:
استفاده از فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۹. نتیجه آزمون فرضیه اصلی پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۴۷/۶۳۹	۰/۰۹۷	a	۰/۰۰۱	۱۲۰/۲	۲/۰۴۱	۰/۵۶۸	۰/۷۵۷
		۰/۰۰۷	۲/۷۰۶		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۰۰۱	-۴/۶۵۶	-۰/۲۰۶	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۰۱	-۵/۸۵۵	-۰/۲۸۳	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۰۰۱	-۸/۷۳۲	-۰/۴۱۲	میزان حضور					

طبق نتایج میزان R^2 برابر با ۰/۵۶۸ است که این میزان نشان می‌دهد؛ ۵۷ درصد از تغییرات موجود در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۲/۰۴۱) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F ($F=۱۲۰/۲$) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون تأیید می‌گردد. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد تأثیر تمامی چهار بعد استفاده از فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «آشنایی با فضای مجازی» به میزان ۱۰ درصد افزایش و به ازاء یک واحد افزایش در «مدت استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۱ درصد، به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۸ درصد و به ازاء یک واحد افزایش در «میزان حضور در انواع فضاهای مجازی» به میزان ۴۱ درصد، احتمال تنزل تربیت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: میزان آشنایی، مدت استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی اول

میزان استفاده از فضای مجازی بر عفت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۴۰/۴۸	۰/۰۰۵	a	۰/۰۰۱	۷۸/۶	۱/۸۳۸	۰/۴۶۱	۰/۶۳۸
		۰/۸۹۴	۰/۱۳۴		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۰۰۲	-۳/۱۸	-۰/۱۵۷	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۰۴	-۲/۲۰۹	-۰/۱۵۷	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۰۰۱	-۸/۸۵۷	-۰/۴۶۶	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۴۶۱ است که این میزان نشان می‌دهد؛ ۴۶ درصد از تغییرات موجود در عفت دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۱/۸۳۸) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F (۷۸/۶) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر سه بعد یا سه متغیر پیش‌بین بر عفت دانش‌آموزان در بعد عفت مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «مدت استفاده از فضای مجازی» به میزان ۱۶ درصد، به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۱۶ درصد و به ازاء یک واحد افزایش در «میزان حضور در انواع فضاهای مجازی» به میزان ۴۷ درصد، احتمال تنزل عفت در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: مدت استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در فضای مجازی بر عفت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی دوم:

میزان استفاده از فضای مجازی بر شرم و حیا دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۱۱. نتیجه آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۳۶/۵	۰/۰۲۳	a	۰/۰۰۱	۱۴۳/۷	۱/۹۸۹	۰/۶۱۱	۰/۷۸۵
		۰/۴۹۰	۰/۶۹۰		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۰۰۱	-۵/۴۲۷	-۰/۲۲۸	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۰۱	-۵/۳۱۷	-۰/۲۴۴	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۰۰۱	-۹/۹۸۴	-۰/۴۴۶	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۶۱۱ است که این میزان نشان می‌دهد؛ ۶۱ درصد از تغییرات موجود در شرم و حیا در دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۱/۹۸۹) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F ($F=143/7$) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر سه بعد یا سه متغیر پیش‌بین بر شرم و حیا دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «مدت استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۳ درصد، به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۴ درصد و به ازاء یک واحد افزایش در «میزان حضور در انواع فضاهای مجازی» به میزان ۴۵ درصد، احتمال تنزل شرم و حیا در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: میزان استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در فضای مجازی بر شرم و حیا دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی سوم:

میزان استفاده از فضای مجازی بر غیرت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۱۲. نتیجه آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۲۵/۱۶	۰/۰۶۳	a	۰/۰۰۱	۶۶/۲	۲/۰۲۵	۰/۴۱۸	۰/۶۵۱
		۰/۱۲۹	۱/۵۲۱		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۰۰۱	-۴/۲۵۱	-۰/۲۱۹	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۰۱	-۴/۲۶۶	-۰/۲۳۹	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۰۰۱	-۵/۵۸۲	-۰/۳۲۰	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۴۱۸ است که این میزان نشان می‌دهد؛ ۴۲ درصد از تغییرات موجود در غیرت دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۲/۰۲۵) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F (۶۶/۲) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر سه بعد یا سه متغیر پیش‌بین بر غیرت دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «مدت استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۲ درصد، به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۲۴ درصد و به ازاء یک واحد افزایش در «میزان حضور در انواع فضاهای مجازی» به میزان ۳۲ درصد، احتمال تنزل غیرت در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: مدت استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در فضای مجازی بر غیرت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی چهارم:

میزان استفاده از فضای مجازی بر وقار و متانت دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۱۳. نتیجه آزمون فرضیه فرعی چهارم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۲۹/۵۸	۰/۱۱۴	a	۰/۰۰۱	۱۱/۸	۱/۸۵۷	۰/۱۰۶	۰/۳۴۰
		۰/۰۲۷	۲/۲۱۹		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۵۱۱	-۰/۶۵۷	-۰/۰۴۲	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۳۳	-۲/۱۳۵	-۰/۱۴۸	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۰۰۳	-۳/۰۴۰	-۰/۲۰۶	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۱۰۶ است که این میزان نشان می‌دهد؛ ۱۱ درصد از تغییرات موجود در وقار و متانت دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۱/۸۵۷) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F (۱۱/۸) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر سه بعد بر وقار و متانت دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «آشنایی با فضای مجازی» به میزان ۱۱ درصد احتمال افزایش ولی به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۱۵ درصد و به ازاء یک واحد افزایش در «میزان حضور در انواع فضاهای مجازی» به میزان ۲۱ درصد، احتمال تنزل وقار و متانت در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: میزان استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در فضای مجازی بر وقار و متانت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی پنجم:

میزان استفاده از فضای مجازی بر کرامت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه

تأثیر دارد.

جدول ۱۴. نتیجه آزمون فرضیه فرعی پنجم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۲۳/۳۰۴	۰/۱۲۸	a	۰/۰۰۵	۳/۷۴	۲/۰۴۴	۰/۰۲۹	۰/۲۰۰
		۰/۰۱۸	۲/۳۸		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۶۶۰	-۰/۴۴۰	-۰/۰۲۹	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۱۳۶	-۱/۴۹۳	-۰/۱۰۸	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۲۸۱	-۱/۰۸۱	-۰/۰۷۶	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۰۲۹ است که این میزان نشان می‌دهد: ۳ درصد از تغییرات موجود در کرامت دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۲/۰۴۴) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F ($F=۳/۷۴$) در سطح آلفای ۰/۰۰۵ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر تنها یک بعد یا یک متغیر پیش‌بینی بر کرامت دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «آشنایی با فضای مجازی» به میزان ۱۳ درصد، احتمال افزایش کرامت در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: میزان آشنایی با فضای مجازی بر کرامت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ششم:

میزان استفاده از فضای مجازی بر عزت دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۱۵. نتیجه آزمون فرضیه فرعی ششم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه

Vif	تولرانس	Sig	T	بتا	مدل رگرسیون	Sig	F	دوربین واتسون	ضریب تعدیل	ضریب همبستگی
۱/۰۷۹	۰/۹۲۶	۰/۰۰۱	۱۴/۶۲۲	۰/۱۱۰	a	۰/۰۰۱	۷/۵	۱/۹۲۵	۰/۰۶۷	۰/۲۷۸
		۰/۰۳۷	۲/۰۹۵		آشنایی					
۱/۶۵۰	۰/۶۰۶	۰/۳۶۵	-۰/۹۰۶	-۰/۰۵۹	مدت استفاده					
۱/۹۶۰	۰/۵۱۰	۰/۰۱۰	-۲/۵۷۶	-۰/۱۸۳	میزان اعتیاد					
۱/۸۶۵	۰/۵۳۶	۰/۲۴۹	-۱/۱۵۴	-۰/۰۸۰	میزان حضور					

نتایج نشان می‌دهد میزان R^2 برابر با ۰/۰۶۷ است که این میزان نشان می‌دهد: ۷ درصد از تغییرات موجود در عزت دانش‌آموزان توسط استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن قابل تبیین است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۱/۹۲۵) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. آماره F ($F=۷/۵$) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است و در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد از بین چهار بعد استفاده از فضای مجازی اثر دو بعد یا دو متغیر پیش‌بین بر عزت دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است؛ به این صورت که به ازاء یک واحد افزایش در «آشنایی با فضای مجازی» به میزان ۱۱ درصد احتمال افزایش ولی به ازاء یک واحد افزایش در «میزان اعتیاد به استفاده از فضای مجازی» به میزان ۱۸ درصد، احتمال تنزل عزت در دانش‌آموزان دختر وجود دارد؛ بنابراین نتیجه این فرضیه را به صورت زیر می‌توان پذیرفت: میزان آشنایی و میزان اعتیاد به فضای مجازی بر عزت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر همدان تأثیر دارد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی بوده که با استفاده از آزمون رگرسیون خطی چندگانه سنجش و تحلیل شده‌اند. نتایج این عملیات به شرح زیر بوده است:

نتیجه به دست آمده از سنجش فرضیه اصلی حاکی از تأیید فرضیه اصلی است. یافته‌های به دست آمده از آزمون این فرضیه نشان داد که ۵۷ درصد از تغییرات موجود در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۵۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۴۳ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. همچنین نتایج آزمون مدل نشان داد که تمامی چهار بعد استفاده از فضای مجازی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مورد مطالعه قابل پذیرش است و تأثیر این متغیرها، قابل پیش‌بینی نیز است. نتیجه تحقیقات پیشین نیز هم‌راستا با نتیجه فوق هستند از جمله تحقیقات مصباحی جمشید (۱۳۹۹)؛ کیخا (۱۳۹۹)؛ اصغرزاده طالبی و شکوهی (۱۳۹۸)؛ محسنی و آذری (۱۳۹۷)؛ نوروزی، کاظمی و شاهمردادی (۱۳۹۶)؛ برقی و مستانه (۱۳۹۶)؛ سالاری، به‌جو، ابراهیمی و نظرصدیدی (۱۳۹۵)؛ وایمن، رودی و مک‌کانل (۲۰۲۱)؛ ال وایز (۲۰۲۰)؛ ون‌جینگ (۲۰۱۹)؛ کریستوفر ساندرز (۲۰۱۸)؛ سلام (۲۰۱۶)؛ زی‌هو و جاناتان‌جی (۲۰۰۲)؛ نتایج به دست آمده در این پژوهش را تأیید می‌نمایند. در این تحقیقات نیز عیناً به نتایجی مشابه با نتیجه تحقیق حاضر دست یافته و بنابراین نتایج تحقیقات آنها با نتیجه فوق همسو است.

در تبیین و دلیل نتیجه به دست آمده باید بیان داشت که تغییرات فناورانه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالش‌های فراوری فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است؛ چون اساساً ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده، با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی - ایرانی) مغایرت دارد، پس می‌توان گفت فضای مجازی به طور عام و اینترنت به طور خاص می‌تواند آسیب‌های اخلاقی فراوانی برای افراد مخصوصاً نوجوانان و حتی خانواده به همراه داشته باشد؛ مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها و در برخورد افراد با آن نظام فکری آنان دچار تغییر می‌گردد. از آنجایی که نظام اخلاقی حاکم بر فضای مجازی در خارج از فرهنگ ایرانی مسلمان نوشته شده است، بی‌گمان تعارضات زیاد اخلاقی برای افراد به وجود می‌آورد و چنانچه فرد از

پختگی لازم و سواد مورد نیاز برخوردار نباشد، یقیناً دچار مشکلات اخلاقی، تربیتی و تفکری خواهد شد.

نتیجه سنجش فرضیه فرعی اول نشان داد که ۴۶ درصد از تغییرات موجود در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در بعد عفت ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۴۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۵۴ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. نتیجه تحقیقات پیشین نیز همراستا با نتیجه فوق هستند از جمله تحقیقات کیخا (۱۳۹۹)؛ اصغرزاده طالبی و شکوهی (۱۳۹۸)؛ برقی و مستانه (۱۳۹۶)؛ سالاری، به‌جو، ابراهیمی و نظرصیدی (۱۳۹۵)؛ ون‌جینگ (۲۰۱۹)؛ کریستوفر ساندرز (۲۰۱۸) و زی‌هو و جاناتان جی (۲۰۰۲)؛ نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش را تأیید می‌نمایند.

در تبیین نتیجه به‌دست‌آمده می‌توان با استناد به آمار و مدارک حقوقی چنین بیان داشت: یکی از متداول‌ترین، شایع‌ترین و پرچالش‌ترین جرایم ارتكابی در فضای مجازی، جرایم منافی عفت هستند که حتی قانون‌گذار مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای را به این جرایم اختصاص داده است. اگرچه تا مدت‌ها پیش، جرایم منافی عفت در فضای حقیقی و با برخوردها و رفتارهای فیزیکی ارتكاب می‌یافت؛ اما امروزه با پیدایش اینترنت این رفتارها با ابعاد گسترده‌تری به دنیای مجازی راه پیدا کرده است و اشکال متفاوتی مانند نشر، توزیع، معامله، تولید و تجارت محتویات مبتذل و مستهجن به خود گرفته است. به‌طوری‌که امروزه پرونده‌های متعددی را در مجتمع‌های قضایی به خود اختصاص داده است که هرکدام از این پرونده‌ها با اتهامات و انگیزه‌های متفاوت همراه است. در چنین فضای گسترده، بدون حفاظت، مستتر و پنهان و از سوی دیگر دارای دسترسی سریع که با استفاده از علوم غربی همچون روان‌شناسی و... طراحی می‌گردند، جوانان و نوجوانان بزرگ‌ترین جمعیت هدف آسیب هستند. در چنین فضای آکنده از فساد و فحشا، بی‌گمان عفت افراد دچار آسیب می‌گردد و در صورت عدم دانش صحیح در این زمینه نمی‌توان از آسیب‌های آن جلوگیری نیز نمود.

فرضیه فرعی دوم نشان داد که میزان استفاده از فضای مجازی بر شرم و حیا دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأثیر دارد. اما یافته‌های به‌دست‌آمده از فرضیه

فرعی دوم نشان داد که ۶۱ درصد از تغییرات موجود در شرم و حیای دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۶۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۳۹ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. نتیجه تحقیقات پیشین نیز هم‌راستا با نتیجه فوق هستند از جمله تحقیقات مصباحی جمشید (۱۳۹۹)؛ نوروزی، کاظمی و شاهمردادی (۱۳۹۶)؛ سالاری، به جو، ابراهیمی و نظرصیدی (۱۳۹۵)؛ وایمن، رودی و مک کانل (۲۰۲۱) و زی هو و جاناناتان جی (۲۰۰۲)؛ نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش را تأیید می‌نمایند.

در تبیین نتیجه حاضر می‌توان به این نکات توجه داشت؛ اگر بخواهیم اثرگذاری فضای مجازی بر روی روابط زن و مرد و بحث حیا زدایی را آسیب‌شناسی کنیم، باید به ویژگی‌های فضای مجازی توجه نماییم: شکستن مرز فضای حقیقی و مجازی؛ این مسئله برای کاربران نوجوان و جوان اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چرا که در این سنین، هنوز هویت افراد به طور کامل شکل نگرفته است و حضور در دالان‌های مجازی اینترنت، از اتاق‌های گفت‌وگو گرفته تا شبکه‌های اجتماعی، به آنان امکان آن را می‌دهد تا برای خودشان هویتی متفاوت از دنیای حقیقی پیرامون خود خلق کنند و همین امر منجر به رشد خیال‌بافی و دور شدن از پذیرش شرایط حقیقی زندگی می‌شود. در این حالت، جوان مرز بین فضای واقعی و فضای مجازی را گم می‌کند همان‌طور که از محیط پیرامونش تأثیر می‌پذیرد، از فضای مجازی نیز متأثر می‌شود. اهمیت این موضوع در اینجاست که همین هویت مجازی به افراد اجازه می‌دهد تا خود را هر گونه که دوست دارند معرفی کنند و از آنجایی که هیچ‌کس نمی‌تواند پی به هویت حقیقی آن‌ها ببرد، پس افراد در محیط اینترنت خود را مجاز به شکستن خطوط قرمز فضای حقیقی می‌دانند و همین هنجارشکنی‌ها از سوی برخی از افراد پیشرو، مسیر را برای دیگرانی که حتی در فضای مجازی ملاحظات ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را دارند باز می‌کند و به‌نوعی سبب عادی‌سازی رفتارهای خلاف اصول و قواعد اجتماعی محیط حقیقی می‌شود. دیگر عامل، بی‌اطلاعی والدین از پشت پرده فضای مجازی است که زمینه‌ساز گسست نسلی است. از آنجایی که اغلب والدین سواد استفاده از فضای مجازی را ندارند و چندان با قانون و قواعد بسیار خاص این فضا آشنایی ندارند و همین موضوع موجب می‌شود تا نظارت مناسبی بر عملکرد فرزند جوان و نوجوان خود نداشته باشند. در

چنین حالتی، جوانان و نوجوانان با حضور در فضای مجازی و مواجهه با سیل اطلاعاتی درست و نادرستی که از هر طرف او را احاطه می‌کند، آماده پذیرش چیزهایی شود که در ورای هجوم این اطلاعات به او القا می‌شود. همین امر سبب شده است تا اینترنت و فضای مجازی زمینه‌های گسست فرهنگی بین نسلی را فراهم آورد و این مسئله بر کنترل خانواده روی رفتار جوان و نوجوان اثر بسیار سوئی خواهد داشت.

عامل دیگر را می‌توان در بلوغ جنسی زودرس در اتاق‌های گفت‌وگو و شبکه‌های اجتماعی جستجو نمود. بسیاری از محتواهای ارائه‌شده در فضای مجازی، به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و اتاق‌های گفت‌وگو، بدون در نظر گرفتن اقتضای سنی مخاطب، در معرض دید و برداشت و تحلیل وی قرار می‌گیرد. اغلب این محتواها، اعم از متن، عکس و فیلم نیز دارای زمینه‌های انحرافی هستند؛ بنابراین می‌توانند جوان و نوجوان را که در شرایط خاص جسمی و غلیان‌غرایز جنسی قرار دارد، دچار سردرگمی کند و از مسیر ارزش‌ها منحرف سازد. این موضوع تا حدی اهمیت دارد که بر اساس گزارش‌های منتشرشده، رئیس‌جمهور آمریکا به فرزندان خود اجازه فعالیت در فیس‌بوک را نمی‌دهد. این در حالی است که شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک یا اتاق‌های گفت‌وگو مروج سبک زندگی غربی هستند، اما انگار مأموریت این شبکه‌ها بیشتر برای تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی حاکم در کشورهای دیگر است و عامل مهم دیگر هنجارشکنی در سایه گمنامی است. باید توجه داشت رفتارهای خلاف ارزش‌های یک جامعه، در محیط واقعی، با تغییر نگاه و مؤاخذه‌گری، چه از سوی نهادهای نظارتی و انتظامی و چه به‌وسیله نگاه‌های ملامتگر سایر اعضای جامعه همراه است، اما در فضای مجازی و اینترنت، چنین قوانینی وجود خارجی ندارد و یک کاربر اینترنت می‌تواند حتی جنسیت خود را پنهان کند و با هویتی کاملاً متفاوت از آنچه هست در شبکه‌های اجتماعی یا اتاق‌های گفت‌وگو حاضر شود و همین گمنامی و هویت مجازی است که به افراد این امکان را می‌دهد که هنجارشکنی کنند بی‌آنکه مؤاخذه‌ای در کار باشد.

در خصوص فرضیه فرعی سوم یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که ۴۲ درصد از تغییرات موجود در غیرت دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۴۲ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۵۸ درصد از تبیین متغیر ملاک به

سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. نتیجه به‌دست‌آمده از فرضیه فوق با نتیجه تحقیقات اصغرزاده طالبی و شکوهی (۱۳۹۸)؛ محسنی و آذری (۱۳۹۷)؛ برقی و مستانه (۱۳۹۶)؛ وایمن، رودی و مک کانل (۲۰۲۱)؛ کریستوفر ساندرز (۲۰۱۸) و زی هو و جاناتان جی (۲۰۰۲)؛ همخوانی دارد.

در بیان دلیل چنین پدیده‌ای می‌توان به دیگر آسیب‌های فضای مجازی اشاره داشت. به‌عنوان نمونه فضای مجازی محملی برای ترویج باورهای انحرافی و سبک زندگی غربی است. اتاق‌های گفت‌وگو و شبکه‌های اجتماعی و فضای وسیع مجازی محلی برای ابراز عقاید و باورها و طرح شبهات است بی‌آنکه کاربر شناخته شود یا برچسب بخورد. به‌ویژه آنکه در بسیاری از موارد، جوانان و نوجوانان مجال مناسبی برای ابراز وجود و بیان دیدگاه‌ها و شبهات دینی خود پیدا نمی‌کنند. در مقابل اما اغلب کسانی که توانایی پاسخ‌گویی به این سؤالات و شبهات را دارند، در این شبکه‌ها عضو نیستند یا حضورشان آن‌چنان کم‌رنگ است که در عمل، این فضاهای اینترنتی به محملی برای ترویج باورهای انحرافی و شبهاتی می‌شود که می‌تواند زیربنای فکری جوان و نوجوان را دستخوش تغییر کند؛ آن‌چنان که سبک زندگی وی را آن قدر غربی نماید که حدود ارتباط با نامحرم را زیر پا بگذارد. براین‌اساس آن چیزی که اول‌ازهمه از کاربر می‌گیرند، غیرتمندی وی است. چنانکه امروز در فضاهای مجازی آلوده‌ای همچون اینستاگرام، یوتیوب و فیس‌بوک شاهد اصطلاحاً لایوهایی [فیلم‌های زنده] از دختران و پسران هستیم که به بدن‌نمایی بدون احساس غیرتمندی اقدام می‌نمایند.

فرضیه فرعی چهارم نشان داد که ۱۱ درصد از تغییرات موجود در وقار و متانت دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۱۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۸۹ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد.

نتیجه به‌دست‌آمده از فرضیه فوق با نتیجه تحقیقات کیخا (۱۳۹۹)؛ سالاری، به جو، ابراهیمی و نظرسیدی (۱۳۹۵)؛ کریستوفر ساندرز (۲۰۱۸) و زی هو و جاناتان جی (۲۰۰۲)؛ همخوانی دارد.

در تبیین علت این پدیده می‌توان به این موضوع اشاره داشت که شکل‌گیری هویت مجازی اولین آسیب در حوزه زدودن وقار و متانت انسان است؛ هرچند ارتباطات در فضای مجازی را به‌عنوان نسل جدیدی از ارتباطات اجتماعی باید پذیرفت، اما این

فضا به کاربر امکان داشتن یک هویت مجازی باوقار و متانت را هم می‌دهد. در واقع می‌توان گفت حضور بیش از اندازه کاربران در فضای مجازی می‌تواند آنان را از هویت حقیقی‌شان دور کند و این دور شدن از دنیای واقعیتهای، بر تمام لایه‌های زندگی افراد همچون باورها و ارزش‌ها و عقایدش اثرگذار بگذارد. در چنین وضعیتی فرد عزت نفس خود را زیر پا گذاشته و دست به اعمالی برای دیده شدن می‌زند که وقار و متانت وی را هدف قرار می‌دهد.

در فرضیه فرعی پنجم نشان داد که ۳ درصد از تغییرات موجود در کرامت دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۹۷ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. نتیجه به دست آمده از فرضیه فوق با نتیجه تحقیقات اصغرزاده طالبی و شکوهی (۱۳۹۸)؛ نوروزی، کاظمی و شاهمردادی (۱۳۹۶)؛ سالاری، به جو، ابراهیمی و نظرسیدی (۱۳۹۵)؛ کریستوفر ساندرز (۲۰۱۸) و سلام (۲۰۱۶) همخوانی دارد.

در بیان تعلیل نتیجه به دست آمده می‌توان بیان داشت که فضای مجازی فضایی است که شیطان انسان را به گناهی که در فضای حقیقی از انجام آن حیا و شرم دارد دعوت می‌کند؛ لذا کارهایی که در فضای مجازی انسان انجام می‌دهد اغلب از دید و اطلاع دیگران مخفی می‌ماند. تفاوت گناهان در فضای مجازی این است که بدون هیچ حدومرزی می‌توان به دوراز چشم مردم به تمامی گناهان آلوده شد. دلیل روی آوردن به این فضا برای گناه غالباً حیای در ارتکاب گناه در واقعیت و فضای حقیقی است که شیطان کم‌کم شخص را به انجام همه این گناهان در فضای حقیقی ترغیب و تشویق می‌کند. خلاصه اینکه فضای مجازی یکی از ابزارهای اصلی شیطان برای اغوای انسان‌ها در عصر امروزی است تا کرامت وی را از بین ببرد. پس احساس کرامت‌مندی از حضور بی پروا و بدون حدومرز در این وادی جلوگیری می‌نماید؛ اما وقتی مخصوصاً نوجوانان و جوانان در چنین فضایی به ولنگاری می‌پردازند باید منتظر هر نوع آسیبی باشند و اولین آسیبی که به آنها وارد می‌شود، احساس بی‌ارزشی، دور شدن از اخلاق و گرویدن به رذایل اخلاقی است و بدین ترتیب کرامت انسانی آنها با در معرض گناه قرارگرفتن از بین می‌رود.

فرضیه فرعی ششم: میزان استفاده از فضای مجازی بر عزت دانش‌آموزان دختر

دوره دوم متوسطه تأثیر دارد.

یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون آخرین فرضیه نشان داد که ۷ درصد از تغییرات موجود در عزت دانش‌آموزان ناشی از متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی یعنی استفاده از فضای مجازی و ابعاد آن است. به عبارتی ۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است و ۹۳ درصد از تبیین متغیر ملاک به سایر مؤلفه‌های بستگی دارد. نتیجه به‌دست‌آمده از فرضیه فوق با نتیجه تحقیقات مصباحی جمشید (۱۳۹۹)؛ ال وایز (۲۰۲۰)؛ سلام (۲۰۱۶)؛ زی هو و جاناتان جی (۲۰۰۲)؛ همخوانی دارد.

در تبیین نتیجه به‌دست‌آمده باید گفت: مهم‌ترین سازوکاری که منتقدان شبکه‌های اجتماعی در این زمینه مطرح می‌کنند، مقایسه اجتماعی خود با دیگران است. انسان‌ها پیوسته خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و جایگاه خود را نسبت به آن‌ها می‌سنجند. کافی است خانه کسی را ببینند یا از حقوق ماهیانه او خبردار شوند. احتمالاً اولین کاری که خواهند کرد این است که خانه خود یا حقوق خود را با او مقایسه می‌کنند. این مقایسه‌ها در حوزه‌های دیگر، مثلاً زیبایی چهره و تناسب اندام هم انجام می‌شوند. از طرفی این را هم می‌دانیم که کاربران شبکه‌های اجتماعی، معمولاً جنبه‌های مثبت و دوست‌داشتنی زندگی خود را بیشتر در این شبکه‌ها منعکس می‌کنند. پس به نظر می‌رسد وقتی کسی زندگی واقعی خود را در شبکه‌های اجتماعی با بخش مثبت‌تر زندگی دیگران مقایسه می‌کند، عزت نفسش کاهش یابد. آنچه گفته شد استدلال کسانی است که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی را موجب کاهش عزت نفس می‌دانند. اما از سوی دیگر، می‌دانیم که بخشی از محتوای شبکه‌های اجتماعی از جنس خبری و اطلاع‌رسانی است. ضمن این‌که بسیاری از کاربران هم روزمرگی‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و الزاماً به «اجرای یک نمایش فریبنده» رو نمی‌آورند. در کنار این‌ها، بخشی از کاربران هم در این شبکه‌ها به دنبال گذران اوقات فراغت از طریق یادگیری مطالب مختلف یا سرگرم‌شدن با پیگیری زندگی نویسندگان و هنرمندان و سیاستمداران هستند و کمتر به مقایسه اجتماعی رو می‌آورند. وقتی همه این حرف‌ها را کنار هم می‌گذاریم، به نتیجه می‌رسیم که درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر عزت

نفس، نمی‌توان شتابزده قضاوت کرد و بهتر است به سراغ مطالعات و تحقیقات سازمان‌یافته برویم. اگر مطالعات و تحقیقات انجام شده در این حوزه بررسی شود، کاملاً گیج‌کننده خواهد بود. بعضی از تحقیقات، تأکید دارند که هر چه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش پیدا کند، عزت نفس کاهش پیدا می‌کند (مثلاً با افزایش دغدغه درباره تناسب اندام). برخی محققان دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی هیچ تأثیری (مثبت یا منفی) بر عزت نفس ندارد. وقتی مطالعات مختلف به نتایج متفاوتی می‌رسند، می‌شود نتیجه گرفت که برخی فاکتورها و عوامل در این تحقیقات لحاظ نشده‌اند. مثلاً شاید میزان این تأثیر از یک شبکه اجتماعی به شبکه دیگر متفاوت باشد. همچنین شاید تأثیر شبکه‌های اجتماعی در گروه‌های سنی مختلف یا جوامع مختلف فرق داشته باشد. آلیسا سایفو و همکارانش^۱ (۲۰۱۹) بر این نکته تأکید دارند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارای ضریب همبستگی منفی با عزت نفس است. به این معنی که استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی و کاهش عزت نفس می‌توانند به یکدیگر مرتبط باشند.

در این پژوهش سعی بر این گردید تا تأثیر فضای مجازی و استفاده از آن بر تربیت اخلاقی و ابعاد شش‌گانه آن یعنی عفت، شرم و حیا، غیرت، وقار و متانت، کرامت و عزت مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق حاضر نشان دادند که استفاده از فضای مجازی با چهار مؤلفه میزان آشنایی، مدت استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در انواع فضاهای مجازی بر روی بعد کلی تربیت اخلاقی و ابعاد شش‌گانه مورد اشاره تأثیر دارد. در این بین میزان آشنایی با فضای مجازی موجب تقویت تربیت اخلاقی شده و سه بعد دیگر آن یعنی مدت استفاده، میزان اعتیاد و میزان حضور در انواع فضاهای مجازی تربیت اخلاقی را دچار تنزل و افت می‌نمایند.

اهمیت نقش الگویی والدین در تربیت اخلاقی - دینی کودکان؛ والدین نزدیک‌ترین افراد به کودکان هستند، لذا لازم است مراقب رفتار و گفتار خود بوده و با تشویق و ترغیب به روش محبت‌آمیز فرزندان خود را در رسیدن به تربیت اسلامی یاری دهند که

یکی از بادوام‌ترین و مهم‌ترین روش‌ها در تربیت اخلاقی کودکان، نگرش مثبت فرزندان نسبت به مذهب و دین است؛ پس والدین می‌بایست با روش محبت‌آمیز و به‌دوراز هرگونه اجبار، فرزندان خود را به انجام اعمال مذهبی و فراگیری آن تشویق کنند. فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر مناسب و آموزش‌های لازم به کودکان، نوجوانان و جوانان در خصوص استفاده از فضای مجازی نیز یکی دیگر از مواردی است که باید مدنظر والدین، مسئولین و نهادهای فرهنگی و اجتماعی همچون نظام آموزشی و آموزش عالی باشد. پیشنهاد می‌شود سبک زندگی اسلامی برای دانش‌آموزان متوسطه دوم با بهره‌گیری از قدرت رسانه و عملیات روانی و ظرفیت و توان نهادهای فرهنگی کشور اجرا شود. باید بر آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی با افزایش سطح آگاهی‌های مردم با گنجاندن دروسی در خصوص آداب اخلاقی در فضای مجازی برای دانش‌آموزان متوسطه دوم ساخت و پخش فیلم‌های آموزنده از سیمای مرکز جمهوری اسلامی ایران همت بیشتری گمارده شود.

منابع

- افشار، غلامرضا؛ صالح اردستانی، عباس و میرابی، وحید رضا (۱۴۰۰)، *مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رفتار مشارکتی کاربران فضای مجازی*، فصلنامه مدیریت کسب‌وکار، (۲)۵۵، ۲۱-۳۹.
- بهبودی، سمیه (۱۴۰۰)، *بنیان جامعه در آشفستگی*، روزنامه همدان نامه، ۱۰ بهمن، صفحه اجتماعی - خانوادگی.
- تهرانی، مهدیه (۱۳۹۵)، *پیامدها و اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی. دانشگاه پیام نور کرج.
- حامدچور، زینب (۱۳۹۹)، *تأثیرات آموزش در فضای مجازی بر دانش‌آموزان در پسا کرونا*، سومین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- حسن‌زاده، سهیلا (۱۴۰۰)، *تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی دختران*، مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی، ۸(۱۴)، ۷۱-۹۶.
- زندکریمی، غزال؛ کربلایی حسین شال‌باف، زهرا و ده‌دست، زهرا (۱۴۰۱)، *تدوین و*

- اعتباریابی برنامه آموزش و فرزندپروری نوجوانان در فضای مجازی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۱)، ۳۰-۱.
- سیف درخشنده، سعید؛ عطا دخت، اکبر؛ حاجیلو، نادر و میکائیلی، نیلوفر (۱۴۰۰)، مدل‌یابی گرایش دانش‌آموزان به فضای مجازی بر مبنای عوامل فردی، زمینه‌ای و محیطی: ارزیابی پیامدهای روان‌شناختی آن، مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۸(۴۴)، ۱۳۵-۱۵۳.
- شیوندی، کامران؛ حسنونند، فضل‌الله؛ عبدالهی مقدم، مریم و کوشکی، محمود (۱۴۰۱)، مقایسه وضعیت روان‌شناختی و تحصیلی دانش‌آموزان درگیر و غیر درگیر در فضای مجازی در دوره متوسطه، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۸(۳۰)، ۱۵۰-۱۸۰.
- شکاری حمیده؛ جلالیان نجمه (۱۳۹۴)، شناسایی عوامل مؤثر بر فضیلت‌گرایی و رتبه بندی آن عوامل در بیمارستان‌های آموزشی شهر یزد، طلوع بهداشت ۲(۱۴). ۱۲۵-۱۳۷.
- عالی، مهدیه و محمودیان، حسین (۱۴۰۱)، مقایسه هوش هیجانی و توانایی شناختی در دانشجویان با پاسخ و انمود و عادی، مجله روانشناسی تربیتی، ۱۹(۴۷)، ۹۸-۱۱۰.
- عسکریان بیدگلی، مریم؛ اطهری، زینب‌السادات؛ ستار، حسنی. (۱۳۹۷)، بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان، نشریه: زن و جامعه (جامعه شناسی زنان). سال ۱۳۹۷. دوره ۹. شماره: ۲ (مسلسل ۳۴). ۶۹-۱۰۳.
- کوئن، بروس (۱۳۹۳)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- کیخا، بتول (۱۳۹۶)، تربیت اخلاقی در فضای مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه الزهراء)، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۶(۱)، ۲۴۱-۲۷۲.
- کربلایی حسین شالباف، زهرا؛ زندکریمی، غزال و ده‌دست، کوثر (۱۴۰۱)، پدیدارشناسی آسیب‌های فرزندپروری نوجوانان در فضای مجازی، دو فصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، ۳(۱)، ۱-۱۲.
- گیدنز، آنتونی. (۱۹۸۷)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۸۶). تهران: نشر نی.

فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد و ابوجعفری، مهدی (۱۳۹۶)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.

محمدیاری، قاسم؛ جبّاری، کامران و قنبری، سمیه (۱۴۰۰)، شکست عاطفی دانش‌آموزان دختر و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های مجازی و برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، نشریه علمی فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۶ (۵۷)، ۱۰۷-۱۲۶.

مداحی شاهخانی، حجت؛ باصری، علی و ثقفی‌نژاد، سید محمد (۱۴۰۱)، نقش توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی دانشجویان شهرستان دماوند، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۴ (۴)، ۱۹-۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

کیخا، بتول، (۱۳۹۹)، تربیت اخلاقی در فضای مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه الزهراء)، نشریه: اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۶، شماره ۱.

Buehl, A.K. Melchers, K. & Roulin, N. (2020). Tell me sweet little lies: How does faking in interviews affect interview scores and interview validity?. *Journal of Business and Psychology*, 34(1), 107-124.

Faltýnková, A. Blinka, L., Ševčíková, A., & Husarova, D. (2020). The Associations between Family-Related Factors and Excessive Internet Use in Adolescents. *International Journal of Environmental Research and Public Health*; 17(5), 1754- 1765.

Fathi, A., Sadeghi, S., Maleki-rad, A. A., Sharifi, R. S., Rostami, H., & Abdolmohammadi, K. (2020). The role of cyberspace use on lifestyle promoting health and coronary anxiety in young people. *Iranian Journal of psychiatry and Clinical Psychology*; 26(3), 332-347.

Kapetanovic, S., Rothenberg, W. A., Lansford, J. E., Bornstein, M. H., Chang, L., Deater-Deckard, K., et al. (2020). Cross-cultural examination of links between parent-adolescent communication and adolescent psychological problems in 12 cultural groups. *Journal of Youth and Adolescence*, 49, 1225-1244.

Livazovic, G., Ham, E. (2019). Cyberbullying and emotional distress in adolescents: the importance of family, peers and school. *Heliyon*, 5(6),

1-9.

- Lam L. T. (2020). "The Roles of Parent-and-Child Mental Health and Parental Internet Addiction in Adolescent Internet Addiction: Does a Parent-and-Child Gender Match Matter?" *Frontiers in public health*, 8(142), 1-8.
- Lo, B. C. Y., Romance, N. M. Lai, T. K. & Haobi W. (2020). "Worry and Permissive Parenting in Association with the Development of Internet Addiction in Children". *International Journal of Environmental Research and Public Health*; 17(21), 7722-7738.
- Macionis, T.A. (2019). College students' social networking experiences on Facebook. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30, 227–238.
- Mihic, J., Skinner, M., Novak, M., Feric, M., & Kranželic, V. (2022). "The importance of family and school protective factors in preventing the risk behaviors of youth". *International Journal of Environmental Research*; 19(1630), 1-14.
- Soh, P. C. H., Chew, K. W., Koay, K. Y., & Ang, P. H. (2018). "Parents vs peers' influence on teenagers' Internet addiction and risky online activities". *Journal of Telematics and Informatics*, 35, 225-236.
- Skilbred-Field, S., Reme, S. E., & Mossige, S. (2020). "Cyberbullying involvement and mental health problems among late adolescents". *Cyber psychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*; 14(1), 1-5.
- Yang, X., Zhu, L., Chen, Q., Song, P., & Wang, Z. (2016). "Parent marital conflict and internet addiction among Chinese college students: the mediating role of father-child, mother-child, and peer attachment". *Computers in Human Behavior*, 59, 221–229.

